

نگاهی گذرا به

ظرایف اخلاقی در سیره امام رضا علیه السلام

حسین طاهری وحدتی

بنیاد پژوهشهای اسلامی - مجله مشکوة

باشد، هرگز در ایستگاه بی‌خبری و سرگردانی متوقف نمی‌ماند. بالندگی، پویایی، شادابی و سرزندگی، از مختصات و ثمرات امامت دینی است. ما از گستره وجوه امامت یک موضوع را برگزیدیم و نام آن را ظرائف اخلاقی در سیره رضوی نهاده‌ایم و نمونه‌هایی از سیره رفتاری امام رضا علیه السلام را گرد آوردیم تا حقایقی که پیش از این گفتیم، همه مستند به رفتار خود امام علیه السلام باشد.

داستان کرامت و ارج نهادن به حقوق انسانی از دیرباز مطمح نظر اندیشمندان، فیلسوفان و عالمان در فرهنگهای مختلف بوده است. در نگاه دینی و قرآنی به ویژه دین اسلام این موضوع به صورت خیلی جدی و ریشه‌ای مورد عنایت قرار گرفته است.

به نظر می‌رسد پیام جهانی دین و جامعیت رسالت آن از این زاویه بسیار قابل تأمل و بهره‌گیری است. نمونه‌های اجرایی و عملی آن در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله و حکومت پنج ساله امام علی علیه السلام و در زمان امامان دیگر، سند بسیار محکم و استواری است در اهمیت دادن به مناسبات انسانی و رعایت حقوق آدمی از منظر دین اسلام. به این گزارش دقت کنید: امام علی علیه السلام هنگام بازگشت از جنگ صفین به کوفه درآمد و بر شبامیان گذشت و شیون زنان را شنید که بر

امامت کانون هدایت و بالندگی است. امام علیه السلام کسی است که بیش از دیگران و حتی خود انسان، دغدغه هدایت و کمال‌یابی او را دارد. امام علیه السلام در حقیقت پاسدار حرمت انسانی انسان است و مدافع حقوق مسلم او. آدمی در کنار امام علیه السلام به یک آرامش روحانی و مطلق دست پیدا می‌کند و هویت خویش را در پرتو نورانیت او باز می‌یابد. امامت دینی نورآفرین است و در بن‌بستها و تاریکیها، چراغ راه گم‌کردگان است. امامت دینی راهبر انسان به سوی معرفت حقیقی و اعتدال مطلوب در جریان زندگی است و جامعه‌ای که پذیرای آموزشهای امام علیه السلام

کشتگان جنگ صفین می‌گریستند. در آن وقت حربین شرحبیل شبامی که از بزرگان قوم خود بود به سوی حضرت شتافت. امام علیه السلام به او فرمود: آیا زنان شما با گریه و زاری که اکنون می‌شنوم بر شما چیره شده‌اند؟ آیا آنان را از این شیون و بی‌قراری باز نمی‌دارید؟

[حرب در رکاب امام علیه السلام پیاده به راه افتاد و امام سوار بود؛ لذا به به فرمود:] بازگرد که پیاده آمدن چون تو در رکاب چون من، موجب فریفته شدن والی و خواری مؤمن است.^۱

ما در تبیین دیدگاه و رفتار امام علیه السلام در مورد حقوق انسانی ابتدا از همان حلقه‌های نزدیک به ایشان شروع می‌کنیم. امام علیه السلام با نزدیک‌ترین افراد اعضای خانواده و غلامان و کنیزان چگونه رفتار می‌کرد؟ آنان چه تصویری از رفتار و اندیشه امام برای ما بازگو خواهند کرد؟ راویان و شاگردان از امام علیه السلام برای ما چه خواهند گفت؟ و امام با اندیشمندان و عالمان چگونه رفتار می‌کرد؟ در همه این مجموعه، نظر ما به ظرائف اخلاقی امام علیه السلام معطوف خواهد بود. می‌خواهیم بدانیم که امام علیه السلام به عنوان ولیّ الله و یک انسان کامل با هموعان خود چگونه نشست و برخاست می‌کرد؟ تبیین

بسیار معقولانه‌ای است که اگر ما بتوانیم نمدادهای اخلاقی را در رفتار امام علیه السلام جست‌وجو کنیم و در مرحله مهم‌تر آنها را در رفتار فردی و اجتماعی خودمان اجرا نماییم و در این صورت است که می‌توان ادعای پیرو بودن، شیعه بودن و ولایت‌مدار بودن را اعلام کرد، و گرنه ما با کسانی که اعتقاد و الزامی به جریان ولایت ندارند، چه تفاوتی خواهیم داشت؟

بدون تردید آنچه امام رضای علیه السلام بدان توصیه و عمل می‌کرد، برداشت دقیق و جامع از معارف اسلامی بود که خاستگاه آن قرآن و سیره عملی و علمی آورنده مکتب، یعنی رسول خدا صلی الله علیه و آله است؛ چرا که نمونه‌های آن را در سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با همان ویژگی مشاهده می‌کنیم. شایسته است به اندیشه‌ها و رفتار بزرگان دین نزدیک بشویم تا ما را در مناسبات و مشکلات روزمره زندگی کمک کند و به درستی از این تعالیم و حیانی و آسمانی بهره‌برداری کنیم.

با سلوک امام علیه السلام در خانواده و اطرافیان

خانواده، جامعه کوچکی است که از تک‌تک آن یک جامعه بزرگ به وجود می‌آید

۱- فرهنگنامه موضوعی نهج البلاغه، ص ۱۵۵.

و نقش آن در صلاح و سداد جامعه بر هیچ کس پوشیده نیست. بدون تردید در جامعه‌ای که خانواده‌های آن از انسجام و همبستگی بهتری برخوردار باشند، آسیبهای اجتماعی کمتر به چشم می‌خورند. کانون خانواده بر دو اصل معرفت و محبت استوار است و در فرهنگ روایات و توصیه‌های دینی ما نیز به این دو امر اهمیت بسیار داده شده است؛ چنان که جستجوی روان‌شناسانه پاره‌ای از آیات قرآن هم، ما را به همین مقوله رهنمون خواهد شد که در روند بحث به آن اشاره می‌کنیم.

در اینجا به سراغ یکی، دو گزارش تاریخی در مورد سیره و سلوک امام رضا (علیه السلام) می‌رویم و اینکه آن حضرت در جمع خانواده و نزدیکان چگونه عمل می‌کرد و با آنان چه رفتاری داشت و به چه مسائلی اهمیت می‌داد. به این روایت دقت کنید:

... «عن یاسر الخادم قال: کان الرضا (علیه السلام) إذا خلا جمع حشمه کلهم عنده الصغیر و الکبیر فیحدّثهم و یأنس بهم و یؤنسهم و کان اذا جلس علی المائدة لا یدع صغیراً و لا کبیراً حتی السائس و الحجام الا قعده معه علی مائدته»^۱

خادم امام رضا (علیه السلام) درباره بخشی از رفتار و سلوک ایشان می‌گوید: هرگاه امام تنها می‌شد

و فارغ از مسائل روزمره می‌گردید، اعضای خانواده و اطرافیان را گرد می‌آورد و با آنان سخن می‌گفت و انس و الفت می‌گرفت، و هرگاه بر سر سفره حاضر می‌شد خرد و کلان حتی کارگزار و حجام را فرا می‌خواند.

این رفتار اخلاقی امام چه پیامی برای امروز ما دارد؟ و اصولاً آنچه از سیر و سلوک امامان (علیهم السلام) در فرهنگ دینی ثبت شده، چیزی جز توجّه دادن به اصول انسانی و حقوق ایمانی است؟ آیا این نوع نگرش و بینش نسبت به جهان هستی و جامعه بشری، رمز ماندگاری آموزشهای پیامبران و امامان نبوده است؟ آیا یکی از مشکلات امروز جامعه انسانی سست شدن ارکان خانواده نیست؟ بسیار ضرورت دارد ما درباره رفتارهای بزرگان دین نگاهی عمیق و دقیق داشته باشیم و تنها به تحسین و به نکویی یاد کردن از آن عزیزان در مناسبتهای ویژه بسنده نکنیم.

امام رضا (علیه السلام) در دوره و عصری چنین تعاملی را با اعضای خانواده و اطرافیان برقرار می‌کرد که مناسبات اخلاقی و حقوقی به گونه دیگری رقم می‌خورد. بندگان و کنیزکان در این نظام جاهلی هیچ اختیار و حقی

۱- بحار الأنوار، ج ۴۹، ص ۱۶۴.

برخوردار نبودند و جرئت نزدیک شدن به اربابان را نداشتند، اما در خانه امام علیه السلام به کانون دل دادگی و عشق نزدیک بودند و بر سفره کرم ولی الله می نشستند و امام با اظهار محبت به آنان اعلام می کرد شما هم انسان هستید و باید از حقوق اخلاقی و انسانی برخوردار گردید و اگر غیر از این باشد، به شما هم ستم شده است.

گزارش مردی از بلخ هنگام سفر امام علیه السلام به خراسان این گونه است:

«در سفر خراسان در خدمت امام رضا علیه السلام بودم. روزی طعام خواست، همه خدمتکاران از سیاهان و دیگران را کنار سفره جمع کرد، گفتم: فدایت شوم آنها بهتر است در خوان دیگر غذا بخورند. فرمود: مه انّ الربّ تبارک و تعالی واحد و الأُمّ واحدة و الأب واحد و الجزاء بالأعمال.»^۱

آرام باش. پروردگار همه یکی است، مادرمان حوا، پدرمان آدم است و مجازات بسته به اعمال است.

در روایتی دیگر شخص امام علیه السلام به غلامان و کارگران خود این گونه توصیه می فرماید:

«ان قمت علی رؤوسکم و انتم تأکلون فلا تقوموا... و ربما دعا بعضنا فيقال له: هم يأكلون فيقول: دعهم حتى يفرغوا.»^۲

به هنگام غذا خوردن، اگر من بالای سرتان هم ایستاده بودم، قبل از تمام کردن طعام از جای خود بلند نشوید.

خادم امام علیه السلام در ادامه روایت نقل می کند: گاهی اتفاق می افتاد که امام علیه السلام بعضی از ما را صدا می زد، می گفتند آنها مشغول غذا خوردن هستند، می فرمود: بگذارید طعامشان را بخورند.

با جامعه و مردم

از خانه امام علیه السلام و محیط خصوصی ایشان به محافل عمومی برویم و بینیم امام مهربانی با مردم غنی و فقیر، عالم و جاهل، مسلمان و غیر مسلمان، دوست و دشمن چگونه رفتار می کند و حقوق انسانی را در این گستره چگونه عملی می سازد؟

طبیعی است الهام بخش امام علیه السلام در حرمت گذاری به شخصیت انسانها و محبت به آنها دو کانون مهم و اساسی است؛ یکی آموزشهای رسول خدا صلی الله علیه و آله به عنوان آورنده مکتب اسلام و دیگری کتاب مقدس قرآن است. رفتار امام علیه السلام در واقع تفسیر عملی قرآن و ترویج سنتهای نبوی بود.

۱- بحار الأنوار، ج ۲۹، ص ۱۰۱.

۲- فروع کافی، ج ۶، ص ۲۹۸.

در این خصوص شایسته یادآوری است بسیاری از نکاتی که ممکن است در نگاه ابتدایی کم اهمیت جلوه کند و در مناسبات اجتماعی و فردی کمتر مورد توجه قرار گیرد، در نظر امام علیه السلام و در سیره عملی ایشان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار می‌باشد.

اصولاً در فرهنگ دینی و آموزشهای اسلامی، پاسداشت حرمت دیگران و هم‌نوعان، جزء ضروری‌ترین حقوق انسانی شمرده شده است و هر یک از امامان علیهم السلام به گونه‌ای تبیین‌کننده این اصل کلی بوده‌اند و ما شکل عالی آن را در منطق حکومت امام علی علیه السلام به خوبی مشاهده می‌کنیم. به نظر نگارنده حرمت نهادن به انسان در اندیشه امام علی علیه السلام موج می‌زند و همان‌گونه که رسول خدا صلی الله علیه و آله هم استاد مهرورزی به امت بود و در تعبیر قرآنی، مایه رحمت برای همه جهانیان است - «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ» (انبیاء / ۱۰۷)، در رساله حقوق امام سجاد علیه السلام هم در مورد حق همنشینی می‌خوانیم:

«حق همنشین این است که با او به نرمی و فروتنی رفتار کنی و نسبت به او خوش رفتار و پاک محضر باشی و در گفت‌وگو با او جانب انصاف را رعایت کنی، با او محترمانه سخن گویی و از او با بی‌اعتنایی دیده برنگیری، و

هنگام صحبت کردن با او، قصد تو فهماندن منظور خود باشد و فقط سخنان مفید و لازم را بر زبان جاری سازی. اگر تو به دیدار او رفته‌ای، از برخاستن از نزد او مختاری و نیاز به اجازه او نداری؛ اما اگر او به دیدار تو آمده باشد، نباید بدون اجازه او از جا برخیزی.»^۱

و امام رضا علیه السلام وارث این ارزشها می‌باشد. او نیز رفتاری مهربانانه و صمیمانه با اطرافیان و توده مردم داشت. ابراهیم بن عباس این رفتار را چنین وصف می‌کند:

«... عن ابراهیم بن عباس قال: ما رأیت ابالحسن الرضا علیه السلام جفا احداً بکلمة قط و لا رأیته قطع علی احد کلامه حتی یفرغ منه و ما رد احداً عن حاجة و لا مُدّ رجله بین یدی جلیس له قط و لا اتکی بین یدی جلیس له قط و لا رأیته شتم احداً من موالیه و ممالیکه قط و لا رأیته تغل و لا رأیته یقهقه فی ضحکه قط بل کان ضحکه التبسم.»^۲

هرگز اتفاق نیفتاد که در سخن گفتن به کسی جفا کند، هر که با او گفت‌وگو می‌کرد، کلامش را قطع نمی‌کرد و فرصت می‌داد تا آخرین سخن خود را بگوید، اگر کسی حاجتی نزد او می‌آورد، در صورت امکان

۱- مناسبات انسانی در مدیریت اسلامی، ص ۱۶۵.

۲- عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۱۸۴.

ابداً او را مأیوس نمی‌کرد، ندیدم در حضور کسی پایش را دراز کند و تکیه بزند، سراغ ندارم به کسی از غلامانش ناسزا بگوید، ندیدم آب دهان را به زمین بیندازد و با صدا و قهقهه بخندد، بلکه تنها تبسم می‌کرد.

بجاست مقداری دربارهٔ این رفتار امام رضا (علیه السلام) مذاقه کنیم، چه بسا این نشانه‌ها و دغدغه‌ها در زندگی روزمره ما اصلاً مورد توجه قرار نگیرد و حتی پاره‌ای از صاحبان فهم و اندیشه و فرهنگ به این جزئیات پایبند نباشند. اینکه امام (علیه السلام) در رویارویی با افراد - از هر قشر و طبقه - کاملاً سر و پاگوش باشد و سخن کسی را قطع نکند، یا در حضور دیگران آداب حرمت نهادن به آنان را رعایت کند و در رفع نیازمندی در خواست‌کنندگان دغدغه پاسداشت آبروی افراد را داشته باشد و دهها مسئله از این دست، با این سیر و سلوک برای امروز ما چگونه می‌تواند اسوه و ملاک قرار گیرد؟ چرا ما هنوز در بسیاری از روابط فردی و اجتماعی گرفتار ناهنجاریهای فراوان هستیم؟ هر یک از ما می‌توانیم رفتار روزمره خود را به داوری و بررسی بنشینیم که چقدر کوشیده‌ایم حرمت و حقوق دیگران را نگه داریم؟

ما از دور و نزدیک به زیارت امامی مشرف می‌شویم و برای حضور در آستان

فرزانه‌ای «اذن دخول» می‌خوانیم که اگر ره‌مانده و نیازمندی از او چیزی درخواست می‌کرد، تحمل نگاه نیازمندان وی را نداشت. کمکهای پنهان و شبانه امام علی و دیگر امامان (علیهم السلام) حکایت از چه معنایی دارد؟ یکی از راویان نقل می‌کند: در محضر امام رضا (علیه السلام) بودم و مردم در مورد حلال و حرام از ایشان سؤال می‌کردند. ناگاه مردی وارد شد، سلام کرد و اظهار داشت در برگشت از سفر حج موجودی‌اش را گم کرده است، امام فرمودند بنشینید. کم کم همهٔ مردم رفتند و من و چند نفر دیگر ماندیم. امام (علیه السلام) به اندرون رفت و پس از چند لحظه در را بست و گفت: آن مرد خراسانی کجاست؟

گفت: من اینجا هستم.

امام (علیه السلام) دو بیست دینار به او داد و فرمود: برو که همدیگر را نبینیم. [گویا این حرکت امام برای چند نفر حاضر موجب سؤال شده بود] کسی می‌پرسد: بخششها فراوان بود؛ پس چرا روی از او برگرفتی؟

امام می‌فرماید: هرگز دوست نداشتم رنجش در خواست [پول] را در چهره او بینم.^۱

۱- بحار الأنوار، ج ۴۹، ص ۱۰۱.

کمی دقت کنیم. ما این نوع رابطه انسانی و اخلاقی را در کدام فرهنگ می‌توانیم پیدا کنیم؟ کدام نظریه انسان‌دوستانه این قدر ظریف و عمیق به حقوق بشر نگریسته است و آیا در روزگار کنونی که بسیاری از عالمان تمدن جدید از بحران معنویت شکایت می‌کنند، ارائه نسخه اخلاقی امامان معصوم علیهم‌السلام در قالبی نو، نمی‌تواند راه برون‌رفت از این بحران باشد؟ و تأسف ما از اینکه ما با داشتن این همه لعل و جواهر الهی و انسانی، برای زینت و زیبایی بخشیدن به عرصه زندگی ناتوان می‌نماییم!

داستان کیسه کشیدن امام علیه‌السلام در حمام هم از صحنه‌های آموزنده رفتار ایشان است. روایت‌کننده واقعه این‌گونه گزارش می‌کند:

«دَخَلَ الرضاهُ الحمام، فقال له بعض الناس: دلّكني، فجعل يدلكه. فعرّفوه، فجعل الرجل يستعذر منه، وهو يطيب قلبه و يدلكه.»^۱

امام رضا علیه‌السلام وارد حمام می‌شود. کسی که آن حضرت را نمی‌شناخت، از امام می‌خواهد که پشت او را کیسه بکشد و ایشان بلافاصله می‌پذیرد و پشت او را کیسه می‌کشد. اطرافیان متوجه شده به آن مرد یادآور می‌شوند، احساس شرم و ناراحتی وجود او را فرا می‌گیرد. اما امام همچنان

مشغول است و مهربانانه از او دلجوئی می‌کند و به او آرامش می‌دهد.

آری این دست محبت ولی الله بر پشت انسان است که اعلام می‌دارد: ای انسان تو می‌توانی در پرتو این عشق و فرزانگی، در آسمان دلدادگی به کمال مطلق به پرواز درآیی و با بالهای مرمرین خود از کره زمین بگذری و به رب هفت آسمان برسی.

پرفسور عبدالعزیز ساشادینا کارشناس و متخصص مطالعات دینی در دانشگاه ویرجینیا بعد از بیان نقش امام رضا علیه‌السلام در تعامل فکری میان مسلمانان و غیر مسلمانان در مورد وجه معنوی امام در میان شیعیان می‌گوید:

«... گذشته از نظرات فوق که به ضرورت درک عقلانی و فراگیر اهمیت امامت امام رضا علیه‌السلام در ارتباط مسلمانان و غیر مسلمانان دلالت داشت، باید گفت که جامعه شیعیان جهان امام هشتم را امام ضامن می‌دانند؛ یعنی امامی که امنیت لازم را در اوقات هراس و تشویش تأمین می‌کند. حضرت ثامن الأئمه علیه‌السلام همه جا در جمع خانواده‌های پیروان خود حضور دارد، چه در هنگام شادی و چه در زمان غم و اندوه و از او

۱- بحار الأنوار، ج ۴۹، ص ۹۹.

همچون امام حسین علیه السلام به عنوان رابط روحانی با خداوند و نیز راهنمایی که مسافران را از خطر حفظ می‌کند و پدری که در فکر سعادت فرزندان خویش است، یاد می‌شود. امام ضامن علیه السلام منشأ آرامش درونی و اعتماد به نفس کسانی است که عهده‌دار انجام وظیفه دشواری می‌شدند که نیازمند هدایت و حمایت خداوند است.^۱

امام رضا علیه السلام وقتی هم که در مقام مناظره و مواجهه علمی و فرهنگی با عالمان و اندیشمندان گروه‌های مختلف فکری و نمایندگان مکاتب دوران خود قرار می‌گیرد، باز همان امام مهربان و مهرورز می‌باشد، با کمال احترام به یکایک پرسشها، شبهات و مسائل آنان پاسخ می‌دهد و از هیچ رویاری علمی روی بر نمی‌تابد و یک تنه از عهده این مواجهه برمی‌آید و از طرح هیچ شبهه‌ای از سوی مناظره‌کنندگان دغدغه‌ای به خود راه نمی‌دهد و به این‌گونه، معنای امام بودن را در فرهنگ اسلامی در عرصه دید جهانیان می‌گذارد.^۲

این‌گونه است که یکی از نویسندگان غربی در رد این توهم که دین اسلام دین شمشیر و زور است می‌گوید:

«... در واقع سابقه اسلام از این لحاظ بسیار پیچیده‌تر از آن است که دشمنان

معتقدند، نه فقط مسئله جنگ الهی (جهاد) در مدارک اسلامی کلاسیک، مفهومی بیشتر دفاعی و کم‌تر ستیزورزانه است، بلکه از جهات مختلفی به سابقه اسلام در تحمل دیگر ادیان، غبطه‌آور است. و حتی اگر برخی از مسلمانان، دین خویش را از طریق خشونت ترویج کرده باشند، باز باید به خاطر داشت دین اسلام در ذات خویش اهدافی کلیت‌گرایانه دارد. هدف اسلام دقیقاً این است که همه نسل بشر را از هر نژاد و ملیتی تسلیم اراده الهی درآورد. اسلام یک جامعه انسانی واحد پدید خواهد آورد که در آن همه در اطاعت از معیارهای اخلاقی و دینی شریکند و همه مستحق حمایتی هستند که در آن معیارها نهفته است.»^۳

به نظر شما ایده‌هایی که نویسنده یادشده مطرح می‌کند، در کدام یک از دیدگاه‌ها و جریانهای اسلامی بیشتر نمود داشته است؟ بدون تردید بررسی واقع‌بینانه و

۱- مشکوة، زمستان ۸۰، ش ۷۳-۷۲، ص ۸۵

۲- چنان که در یکی از همین گفت و گوها و مناظرات، عمران صابی از عالمان و فیلسوفان معاصر امام علیه السلام در پایان اسلام می‌آورد و در سلب شیعیان قرار می‌گیرد. (شریف القرشی، پژوهشی دقیق در زندگی امام علی بن موسی الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۹۱).

۳- فرهنگ و دین، ص ۳۵.

غیرجانبدارانه هر پژوهشگر دینی و یا علاقه‌مند به مطالعات دینی، او را متوجه کانون امامت تشیع خواهد کرد. امامان شیعه به عنوان وارثان پیامبر، راسخون در علم، عالمان بی‌بدیل و مفسران اصلی وحی، همواره تبیین‌کننده پیام واقعی دین و قرآن بوده‌اند و امام رضا علیه السلام به دلیل ویژگی عصری که در آن می‌زیست و فضای اجتماعی - سیاسی آن روزگار از یک منظر، در این جهت موقعیت خاصی داشت. شخصیت علمی و کرامت معنوی امام علیه السلام در عصر خود آن چنان سایه‌گستر شده بود که اولین دشمن او، بزرگ‌ترین ستایشها را درباره او بیان می‌کرد. مسعودی این‌گونه می‌نویسد: «مأمون به سال ۲۰۰ ق همه نزدیکان خویش را از عباسیان در مرو گرد آورد و در حضور آنان گفت: من در میان فرزندان عباس و فرزندان علی علیه السلام بسی جست و جو کردم، ولی هیچ یک از آنان را با فضیلت‌تر، پارساتر، متدین‌تر، شایسته‌تر و سزاوارتر به این امر [خلافت] از علی بن موسی الرضا علیه السلام ندیدم.»^۱

در پایان این نکته را یادآور می‌شویم اگر با همین دید و نگاه که تاکنون به رفتارشناسی اخلاقی امام علیه السلام داشتیم، سراغ برخی از آیات قرآن برویم، الهام‌پذیری و تبیین‌سازی

علمی قرآن را به راحتی خواهیم دید. پیشتر اشاره کردیم امام علیه السلام در روابط خود با اطرافیان، بزرگان، کارگران و غلامان مناسبات انسانی و اخلاقی را به صورت خیلی جدی رعایت می‌کرد و تفاوتی میان توانمند و بی‌توان نمی‌گذاشت و به همه به دید احترام می‌نگریست، ما در قرآن هم می‌بینیم خداوند در نشانه‌گذاری برای پذیرفته‌ترین انسانها در پیشگاه الهی، به مسئله تقوا تصریح می‌کند و جالب آنکه خطاب در آیه به همه مردم با هر نوع گرایش فکری و اعتقادی است. به این آیه دقت کنید:

﴿ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ ﴾ (حجرات / ۱۳).

ای مردم ما همه شما را نخست از مرد و زن آفریدیم و آن‌گاه گروه‌های مختلف گردانیدیم تا یکدیگر را بشناسید. گرامی‌ترین شما نزد خداوند پرهیزگارترین شما خواهد بود. بی‌تردید خداوند دانای آگاه است.

و باز اگر در سیره امام علیه السلام می‌بینیم همواره متبسم و با رویی خوش با دیگران روبه‌رو می‌شد و در مقام برآورده ساختن نیازمندیهای آنان، لحظه‌ای درنگ را روا

۱- مسعودی، مروج الذهب، ج ۳، ص ۴۱.

نمی‌دانست و با سخنان خود کسی را آزرده نمی‌کرد، این برگرفته از روح قرآن و توصیه‌های انسانی این کتاب مقدس است. توجّه به آیه زیر هم رهگشاست:

﴿وَمَا تُعْرِضَنَّ عَنْهُمْ أَبْغَاءَ رَحْمَةٍ مِنْ رَبِّكَ تَرْجُوهَا فَقُلْ لَهُمْ قَوْلًا مَيْسُورًا﴾ (اسراء / ۲۸).

و چنانچه از ارحام و فقیران ذوی الحقوق چون فعلاً نادر هستی، ولی در آینده به لطف خدا امیدواری؛ اکنون اعراض می‌کنی، باز با گفتار خویش و زبان شیرین آنها را از خود دلشاد کن.

اگر روزی این توصیه‌های اخلاقی، دینی و انسانی در جوامع انسانی به خصوص مسلمانان، ریشه بگیرد و انسانها این‌گونه مناسبات رفتاری خودشان را تنظیم نمایند، چه اتفاقی خواهد افتاد؟ و خداوند چگونه برکات خود را فرو خواهد فرستاد؟ امام رضا علیه السلام به عنوان یک انسان کامل و ولی الله، احیاکننده همه صفات برجسته و شایسته اخلاقی بود و آنچه از آیات ذکر شد، نمونه اندکی بود از الهام‌پذیری امام علیه السلام از سخن وحی و سلوک رسول خدا صلی الله علیه و آله در میان مردم و اینکه این فرزندان الهی چگونه به انسانها به دیده احترام می‌نگریسته‌اند؟ و ما چگونه باید در جهت الگوبرداری از رفتار آنان برنامه‌ریزی کنیم؟ و خلاصه اینکه نوشتار

تقدیم شده، نقب کوچکی بود به اقیانوس معرفت و کمال امام مهربانی، حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام علیه افضل التحیه و الثناء. امید آنکه همه از این چشمه عشق الهی ره‌توشه‌ای برای سعادت خویش برگیریم و در آن سرا در سایه‌سار وجودشان آرام گیریم.

منابع و مآخذ

- ۱- حسینی سیاهپوش، سید محمد، مناسبات انسانی در مدیریت اسلامی، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۰۱ق.
- ۲- خاتمی، احمد، فرهنگنامه موضوعی نهج البلاغه، تهران، سروش، ۱۳۸۱.
- ۳- شیخ کلینی، فروع کافی، چاپ دوم: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۲.
- ۴- فرهنگ و دین، برگزیده مقالات دایرةالمعارف و دین، تهران، چاپخانه وزارت فرهنگ، ۱۳۷۴.
- ۵- شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، چاپ دوم: تهران، کتابفروشی طوس، شهریور ۱۳۶۳.
- ۶- علامه مجلسی، بحار الأنوار، بیروت، مؤسسه الوفا، ۱۴۰۳ق.
- ۷- شریف القرشی، باقر، پژوهشی دقیق در زندگی امام علی بن موسی الرضا علیه السلام، ترجمه سید محمد صالحی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۲.
- ۸- مسعودی، مروج الذهب، چاپ سوم: قم، دارالهجرة، ۱۳۶۳.